



تاریخ

- گزارشی کهن از مراسم نوروز در... / دکتر روزبه زرین کوب
- حاکمیت خاتون بخارا / فائزه توکلی
- درسی گرانقدر از شاه عباس اول / دکتر منوچهر پارسادوست
- تاریخنگاری ایران باستان / ناهید خذیر

گزارشی کهن از هراسم نوروز در عصر ساسانیان

دکتر روزه زرین کوب

(استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران)

۱۹۱

کتاب المحاسن و الأضداد بارها به نام جاحظ به چاپ رسیده است. ابو عثمان عمرو بن بحر، مشهور به جاحظ (حدود ۱۶۰-۲۵۵ ق)، ادیب و متکلم معتزلی، یکی از بزرگترین نثرنویسان تاریخ ادبیات عرب است و از میان نوشته‌های فراوانش - که بعضی از او و برخی منسوب به اوست - البیان و التبيين، البخلاء و الحيوان شهرت بسیار دارند. جاحظ که به مطالعه و خواندن ولعی وافر داشت، توانست دانشی دائرة المعارف گونه فراهم آورد، چنان که بر زبان فارسی نیز آگاه بود.

درباره کتاب المحاسن و الأضداد سخنان بسیار گفته شده است و همان گونه که برخی از صاحب نظران ادبیات عرب اشاره کرده‌اند، شاید بهتر آن باشد که المحاسن و الأضداد را از جمله کتاب‌های منسوب به جاحظ به شمار آورد^۱ به هر حال، این کتاب چه از آن جاحظ باشد، چه نباشد، شامل مطالب جالبی است که به احتمال زیاد، بخشی از آن حاصل ترجمه متن‌های پهلوی است که در جریان نهضت ترجمه به عربی که در قرن ۲-۴ ق/۸-۱۰ م در جهان اسلام روی داد، گوشه‌هایی از تاریخ و فرهنگ ایران را برای مسلمانان و عربی زبانان آشکار ساخت.

یکی از گزارش‌های کهن و جالب توجه درباره جشن نوروز از طریق این کتاب، در فصل

۱- بروکلیمان، کارل، تاریخ الأدب العربی، نقله الى العربیة عبدالحلیم النجار، القاهرة: دارالمعارف بمصر، ۱۹۷۴

«محاسن النیروز و المهرجان» بر جای مانده است^۱.

بر اساس روایت بازمانده در المحاسن و الأضداد در مراسم جشن نوروز که در دربار ساسانیان برگزار می‌شد، خوانی می‌گسترده و در آن چند عدد نان که از گیاهان و دانه‌های گوناگون پخته بودند، قرار می‌دادند. این نان‌ها از دانه‌های گندم، جو، ارزن، ذرت، نخود، عدس، برنج، کنجد، باقلا و لوبیا بود. مقداری از این دانه‌ها را نیز در سینی می‌ریختند. افزون بر اینها، در آن خوان هفت شاخه^۲ تر از درخت‌هایی که به آنها تبرک می‌جستند، قرار می‌دادند، مانند درختان بید، زیتون، به و انار. این شاخه‌ها را گاه یک یک، گاه دو دو، و گاه سه سه بریده، هر شاخه را به نام یکی از کوره‌ها (= شهرستان‌های کشور می‌نامیدند و بر هر شاخه کلماتی چون افزود، افزایش، افزون، پروار، فراخی و فراهی (در متن اصلی: ایزود، ایزاند، ایزون، پروار، فراخی و فراهیه) نوشته شده بود. همچنین هفت کاسه سبید، پر از سکه‌های سیمین و یک سکه زرین که همگی ضرب سال نو بودند، به همراه یک دسته اسپند در خوان می‌نهادند.

در مراسم جشن نوروز سینی‌ای زرین یا سیمین که در آن شکر سفید و نارگیل پوست کنده و جام‌های سیمین یا زرین بود، می‌آوردند. نخستین چیزی که خورده می‌شد، شیر تازه به همراه خرماي تازه بود. سپس مقداری شیر با نارگیل می‌نوشیدند و پس از آن، شیرینی‌های دیگر خورده می‌شد. ایرانیان در این روز با نوشیدن شیر خالص تازه و خوردن پنیر تازه بدانها تبرک می‌جستند. ایرانیان بیست و پنج روز مانده به نوروز، در حیاط کاخ شاهی دوازده ستون از خشت می‌ساختند و بر بالای هر ستون دانه‌هایی چون گندم، جو، برنج، عدس، باقلا، ارزن، ذرت، لوبیا، نخود، کنجد و ماش می‌کاشتند^۲. در روز ششم نوروز با خواندن سرود و ترانه این گیاهان را درو می‌کردند و دانه‌های آنها را در مجلس جشن می‌افشانند.

۱۹۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- برای دیدن آن، نک: المحاسن و الأضداد، تألیف ابی عثمان عمرو بن بحر الجاحظ البصری، [بی‌جا]، دار

۲- در متن اصلی از یازده دانه نام برده شده است!

مکتبه العرفان، ص ۲۷۷-۲۷۸.